



۲۰۱۹/۰۲/۱۵



حامد فارانی

من لاله آزادم

در این روزها وقتی به رسانه‌ها، چه چاپی، شنیداری و تصویری نگاه می‌کردم در هر کدام از آنها سخن از صلح می‌باشد در واقع با این کلمه با احساسات مردم بازی می‌شود دلم گرفت از این همه بازی در چنین اوضاع این شعر تحت عنوان (**من لاله آزادم**) از جناب محمد ابراهیم صفا شاعر بدهنم رسید که با شما دوستان شریک می‌سازم .

من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم
در دشت مکان دارم، هم فطرت آهویم
آبم نم باران است ، فارغ ز لب جویم
تنگ است محیط آن جا، در باغ نمی رویم
من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم
از خون رگ خویش است ، گر رنگ به رخ دارم
مشاطه نمی خواهد زیبایی رخسارم
بر ساقه ی خود ثابت ، فارغ ز مددکارم
نی در طلب یارم ، نی در غم اغیارم
من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم
هر صبح نسیم آید ، بر قصد طواف من
آهو برگان را چشم، از دیدن من روشن
سوزنده چراغستم ، در گوشه ی این مامن
پروانه بسی دارم ، سرگشته به پیرامن
من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم
از جلوه ی سبز و سرخ ، طرح چمنی ریزم



گشته است ختن صحرا ، از بوی دلاویزم
خم میشوم از مستی، هر لحظه ومی خیزم
سر تا به قدم نازم ، پا تا به سر انگیزم
من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم

جوش می و مستی بین، در چهره ی گلگونم
داغ است نشان عشق، در سینه ی پر خونم
آزاده و سرمستم، خو کرده به هامونم
رانده ست جنون عشق ، از شهر به افسونم
من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم
از سعی کسی منت بر خود نپذیرم من
قید چمن و گلشن ، بر خویش نگیرم من
بر فطرت خود نازم ، وارسته ضمیرم من
آزاده برون آیم ، آزاده بمیرم من
من لاله ی آزادم ، خود رویم و خود بویم



د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ